



## عراق، معضل لاینحل امپریالیسم آمریکا

با انتخاب مجدد جورج بوش به ریاست جمهوری در آمریکا، همان گونه که انتظار می رفت، وی از همان آغاز تلاش نمود با تشدید سیاست های سرکوبگرانه نظامی در پی جبران شکست های امپریالیسم آمریکا در عراق برآید.

هنگامی که امپریالیسم آمریکا به منظور پیشبرد اهداف و مقاصد توسعه طلبانه و غارتگرانه خود در منطقه خاور میانه، کشور عراق را به اشغال نظامی درآورد، هیئت حاکمه آمریکا، بر این پندار بود که با سرنگونی صدام و گذشت چند ماهی از این اشغال، کار عراق یکسر خواهد شد و ادامه پروژه در دستور کار قرار خواهد گرفت. لذا همین که ارتش آمریکا بغداد را تصرف کرد و مجسمه های صدام از خیابانها و معابر عمومی به زیر کشیده شد، جورج بوش رئیس جمهور آمریکا، پیروزمندانه پایان جنگ را اعلام نمود و این پیروزی را به سربازان خود تبریک گفت. اما این محاسبه اشتباه از کار درآمد. به جای آرامشی که آمریکایی ها در عراق در انتظارش بودند، تشنج و درگیری روز به روز افزایش یافت و مقاومت توده ای در برابر اشغالگران به نحو روز افزونی گسترش یافت. این اشتباه محاسبه از آنجائی منشاء می گرفت که توده مردم در محاسبات مرتجعین جائی ندارند، بلکه مبنای تمام محاسبات آنها کمیت و کیفیت سلاح های کشتار و تعداد نظامیان طرف مقابل است.

اسناد منتشر شده از دوران تدارک نظامی حمله به عراق، نشان می دهند که در طول تمام این دوره، بحثی برسر این مسئله نیست که با سرنگونی صدام و اشغال نظامی عراق، واکنش توده مردم عراق نسبت به اشغالگران چه خواهد بود و چه نقشی را بازی خواهند کرد. از دیدگاه امپریالیسم آمریکا پیروزی نظامی در جنگ و شکست و سرنگونی صدام پایان ماجرا محسوب می شد و مابقی

در صفحه ۲

۲ اخباری از ایران

## بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت)

به مناسبت

۱۶ آذر، روز دانشجو

۵

## پیرامون پیام تبریک حزب دمکرات به نماینده ی ارتجاع امپریالیستی

خود به بوش "گرامی" چنین می گوید: "پیروزی جناب عالی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برای بار دوم برای ایرانیان به طور کلی و مردم کردستان به طور اخص جای خوشحالی است" و "امیدواریم در دور دوم ریاست جمهوری، شما یاری دهنده جدی مردم جان به لب رسیده ایران در سرنگونی حکومت تروریست و ضد آزادی و دمکراسی جمهوری اسلامی و برقرار کردن حکومتی دمکراتیک به جای آن باشید!" همان طور که ملاحظه می کنید، پیام دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، هیچ جائی برای تفسیر و توضیح باقی

به دنبال پیروزی جورج دبلیو بوش در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، پیام تبریکی از طرف دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران (مصطفی هجری) در تاریخ سوم نوامبر برای رئیس جمهور آمریکا ارسال شده است. پیام حزب دمکرات کردستان ایران به آقای بوش، نماینده هارترین جناح انحصارات امپریالیستی آمریکا، گرچه بسیار کوتاه و مختصر است، اما به لحاظ مضمون و باتوجه به تغییر و تحولات منطقه، به ویژه با توجه به نحوه برخورد بورژوا-ناسیونالیست های کردستان عراق به مسئله ملی و نوکری ارتجاع جهانی، حائز اهمیت بسیار زیادی است. حزب دمکرات کردستان ایران در پیام

در صفحه ۳

## مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۴۳)

سرمنشاء جنگ های مدرن را سرمایه داری ارزیابی می کند و مادام که رقابت های تجاری خصوصی ادامه یابد، خطر جنگ به کلی از بین نخواهد رفت. در حالی که برای حصول به یک نظام تعاونی اجتماعی تلاش می کنیم، تادیگر جنگی رخ ندهد، کنفرانس خواهان

- ۱- برپائی یک دادگاه بین المللی برای حل مسائل بین المللی است.
- ۲- خواهان برقراری تجارت آزاد بین المللی و الغاء "مناطق نفوذ" و بین المللی شدن راههای تجاری و آزادی دریاهاست.

طبق گفته های بالا جنگ محصول سرمایه داری است. . . اما راه حل، یک دادگاه

### تاثیر انقلاب روسیه

انقلاب روسیه، نقطه عطف بزرگی در زندگی سیلویا پانکهورست بود. در تاریخ ۲۴ و ۲۵ مارس ۱۹۱۷، فدراسیون، دو گردهم آئی پرشور در منطقه شرق برگزار کرد تا رویداد انقلاب را جشن بگیرد. در نخستین گردهم آئی، ۷ هزار نفر شرکت داشتند. سیلویا در این جلسه گفت: "من افتخار می کنم که خود را بلشویک بنامم." با این وجود در همین مقطع نیز، ناپیگیری بنیادین در مواضع اش آشکار بود. نشریه "رزمناو زنان در ۲ ژوئیه ۱۹۱۷، در گزارش کنفرانس سالانه فدراسیون در مورد حق رای کارگری نوشت: "کنفرانس

در صفحه ۸

## اخباری از ایران

### تجمع و راهپیمایی اعتراضی کارگران

روز پنجشنبه بیست و یکم آبان بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران شرکت "تقش ایران"، قزوین، در اعتراض به اخراج ها و تعویق پرداخت دستمزدها، ابتدا در محل کارخانه تجمع کرده و سپس به سمت شهر، دست به راهپیمایی زدند. شایان ذکر است که کارفرمای این شرکت اخیراً ۱۹۰ تن از کارگران را اخراج نموده است و طی چند مرحله اخراج، هم اکنون شمار کارگران از ۱۱۰۰ نفر به ۳۶۰ نفر تقلیل یافته است. کارفرما مصمم است ۱۹۰ کارگر دیگر را نیز اخراج کند. کارگران در مخالفت با اخراج ها و برای تضمین شغلی دست به اعتراض و راهپیمایی زدند. در حالی که نیروهای انتظامی و سرکوب، مانع از ادامه راهپیمایی کارگران و ورود آنان به شهر شدند، کارفرما نیز وعده دادحقوق های عقب افتاده را بپردازد.

### اجتماع اعتراضی کارگران

از فاصله ۲۷ آبان تا سوم آذر، شمار زیادی از کارگران در شهرها و استان های مختلف کشور از جمله تهران، زنجان، آذربایجان در مخالفت با مصوبات و تصمیمات مجلس ارتجاع و خروج کارگران قراردادی از شمول قانون کار، دست به اعتراض و تجمع زدند و خواستار لغو این مصوبات و تصمیمات شدند. در اکثر این اقدامات اعتراضی، کارگران قراردادی و پیمانی، همدوش و همصدا با سایر کارگران در اجتماعات اعتراضی شرکت داشتند.

### اعتصاب در زغال سنگ البرز

کارگران شرکت زغال سنگ البرز مرکزی در اعتراض به خصوصی سازی و سختی شرایط کار، روز ۱۸ آبان دست از کار کشیدند و با برپایی یک اجتماع اعتراضی در برابر دفتر این شرکت در سوادکوه، ضمن ابراز مخالفت با واگذاری این شرکت به بخش خصوصی، خواستار ضمانت شغلی خود شدند.

### اعتصاب کارگران شهرداری

روز سه شنبه ۲۶ آبان کارگران شهرداری مسجد سلیمان دست از کار کشیدند و در برابر شهرداری این شهر، دست به تجمع و

## عراق، معضل لاینحل امپریالیسم آمریکا

شهری که به مدت یک هفته در محاصره کامل نیروهای نظامی آمریکا قرار داشت و تمام راههای ورودی و خروجی شهر تحت کنترل کامل قرار داشت کسی بتواند فرار کند؟ پس چه کسانی به مدت چندین روز با سربازان آمریکایی می جنگیدند؟ رئیس حکومت دست نشانده آمریکا البته نمی تواند بگوید که این توده های مردم فلوجه بودند و نه تروریست های اسلامگرا. او به دستور اربابش می باید ادعا کند که تروریست های اسلامگرا به شهرهای دیگر فرار کرده اند، چون در تعداد دیگری از شهرهای عراق نیز توده مردم در برابر اشغالگران مقاومت می کنند. درگیری های مسلحانه در بغداد، موصل، سامره و تعداد دیگری از شهرها ادامه دارد. لشکر کثیف نظامی به این شهرها و کشتار مردم این شهرها نیز باید توجیه داشته باشد.

هیئت حاکمه آمریکا به رهبری بوش باتشدید سرکوب و کشتار مردم عراق، در این پندار واهی ست که بدین طریق می تواند مقاومت توده مردم عراق را درهم بشکند و شکست های خود را جبران کند. اما این وحشی گری ها نیز قادر نیست، امپریالیسم آمریکا را از باتلاقی که در آن فرورفته نجات دهد و پیروزی اش را تضمین کند. باهر سرکوب و کشتار، نفرت و انزجار توده مردم از اشغالگران فزون تر و مقاومت بیشتر خواهد شد. امپریالیسم آمریکا برای فرونشاندن این مقاومت، خود را ناگزیر خواهد دید که برای کنترل هر شهر هزاران تن نیروی نظامی بگمارد، همانگونه که اکنون در فلوجه و تعداد دیگری از شهرها چنین کرده است. اما گسیل نیروی نظامی هم حدی دارد. امپریالیسم آمریکا نمی تواند برای کنترل هر عراقی یک نیروی نظامی بگمارد. هرچه نظامی گری، سرکوب و وحشی گری های آمریکا بیشتر شود، اوضاع عراق بحرانی تر و حکومت بر مردم این کشور دشوارتر خواهد شد.

در همین مدت کوتاه دیده ایم که با تشدید بحران در عراق، چگونه حتا، در صفوف مزدوران و طرفداران آمریکا شکاف افتاده است و گروهی از آنها که حتا در رده های بالای حکومت دست نشانده با اشغالگران همکاری می کردند، خود را کنار کشیده اند. تعداد زیادی از عراقی هائی که در آغاز به علت فقر و ناآگاهی به مزدوران مسلح امپریالیسم آمریکا تبدیل شده بودند، از پادگانها و مراکز پلیس فرار کرده اند. اما این

در صفحه ۴

قضایا را می بایستی حکومت دست نشانده آمریکا متشکل از گروهی از ناراضیان بعثی، سران ناسیونالیسم کرد عراق و اسلامگرایان طرفدار جمهوری اسلامی حل کنند. اما همان عاملی که در محاسبات امپریالیسم آمریکا به حساب نیامده بود، در تحول اوضاع سیاسی عراق، نقش آفرین شد. مقاومت و مبارزه توده ای که تاکنون با چندین قیام همراه بوده است، اکنون به مرحله ای رسیده است که در جنگ میان توده مردم و اشغالگران، شهرها دست به دست می شوند. ۲۰ ماه پس از اعلام رسمی خاتمه جنگ، یک جنگ واقعی در جریان است و بر تعداد سربازان آمریکایی در عراق مدام افزوده می شود. وحشی گری نیروهای اشغالگر علیه مردم عراق ابعاد بی سابقه ای به خود گرفته است. حمله نظامی آمریکا به شهر فلوجه، تنها یکی از نمونه های توحش و کشتار مردم عراق توسط آمریکایی هاست. این شهر، نخست به مدت چند روز مداوم، زیر حملات بمب افکن های آمریکایی قرار گرفت. صدها بمب چندین تنی که بر سر این شهر و مردمان آن فروریخت، بخش های وسیعی از فلوجه را ویران و صدها تن زن و مرد و کودک را در زیر آوار مساکن شان مدفون ساخت. با محاصره شهر توسط اشغالگران و بمبارن های مداوم، آب و برق قطع شد و مردم از امکانات دارویی و درمانی و حتا تهیه غذا محروم شدند و تازه پس از این همه وحشی گری، نوبت به واحدهای زرهی و توپخانه و همراه با آنها تفنگداران دریایی آمریکا رسید که برای تسلط بر شهر، منازل مردم را با توپ و تانک ویران کردند و هرکه را که به دستشان رسید کشتند. انبوه مردمانی که در این قتل عام حشیانه به قتل رسیدند به حدی ست که هنوز جمع آوری آنها ادامه دارد. رئیس حکومت دست نشانده آمریکا در پاسخ خبرنگاران، تعداد کشته ها را ۲۰۰۰ تن اعلام نمود. پیش از این، اشغالگران عراق ادعا کردند که مقاومتی از سوی توده های مردم عراق وجود ندارد. این، تروریست های اسلامگرای وابسته به القاعده هستند که به عراق آمده و با آمریکایی ها می جنگند. اما اکنون همه کسانی که به قتل رسیده اند مردم فلوجه اند. خبرنگاران از عروسک دست نشانده آمریکا سؤال می کنند، پس تروریست های اسلامگرائی که می گفتید چه شدند؟ پاسخ می دهد که آنها به شهرهای دیگر فرار کرده اند. دروغی آشکار تر از این ممکن نیست. چگونه ممکن است از

## زنده باد سوسیالیسم

## اخباری از ایران

تحصن زدند. کارگران معترض خواستار پرداخت فوری سه ماه حقوق و مزایای معوقه خود شدند.

### اعتراض کارگران رسیدگی "ترمه"

در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها، کارگران شرکت رسیدگی "ترمه" آذربایجان، دست به اعتراض و تجمع زدند. کارفرمای این شرکت، علاوه بر عدم پرداخت به موقع حقوق و مزایای کارگران آنان را با زور و اجبار، به انعقاد قراردادهای بدون تاریخ و اضافه کاری بدون پرداخت مزد، وامی دارد که این مسئله شدیداً مورد اعتراض کارگران است.

### اجتماع اعتراضی کارگران خوزستان

صبح روز دوشنبه دوم آذر، شمار زیادی از کارگران استان خوزستان، در اعتراض به طرح "اشتغال موقت" مجلس، دست به تجمع زدند. در این تجمع اعتراضی کارگران در مخالفت با این طرح و برای لغو قراردادهای موقت و علیه شرکت های پیمانکاری نیز شعارهایی سردادند و با صدور یک قطعنامه پایانی، برخی مطالبات خود را نیز مطرح کردند.

### اجتماع اعتراضی کارگران در گیلان

روز چهارشنبه ۲۷ آبان، نزدیک به ۲۰۰ تن از کارگران در گیلان، در مخالفت با "طرح اشتغال موقت" و قوانین ضد کارگری موجود و مصوبات مجلس در این زمینه، دست به اجتماع اعتراضی زدند.

### اجتماع اعتراضی کارگران "الیاف"

دهها تن از کارگران کارخانه "الیاف" روز دوشنبه دوم آذر، دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر کارخانه، راه ورود و خروج افراد و وسائل نقلیه را مسدود کردند. این کارگران که بعضاً ده سال سابقه کار دارند، به صورت قراردادی مشغول به کارند و کارفرما پس از اتمام مدت، از تمدید قرارداد آنها، خودداری کرده است. کارخانه "الیاف" در جاده شهریار واقع شده و زیر پوشش بنیاد مستضعفان است.

### تجمع و راهپیمایی اعتراضی کارگران چیت سازی

روز یکشنبه اول آذر، جمع زیادی از در صفحه ۶

## پرامون پیام تبریک حزب دمکرات به نماینده ی ارتجاع امپریالیستی

وبارها این موضوع را به اثبات رسانده است که امپریالیسم به لحاظ سیاسی چیز دیگری جز بسط ارتجاع و نفی آزادی و دمکراسی نیست و عملکرد آن در جهت نفی استقلال ملت هاست. حزب دمکرات کردستان ایران و دبیر کل آن نیز البته آنقدرها ساده و بیو نیست که نفهمد چنین ادعاهای عجیب و غریبی را مردم باور نمی کنند. اما مسئله این است که امروز وضعیت حزب دمکرات کردستان ایران و بورژوازی کرد به جایی رسیده است که به جای مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی، خود از ارتجاع گرائی امپریالیسم پاسداری می کند و در آن سهم و شریک می شود. مسئله این است که امروز معیارهای حزب دمکرات کردستان ایران و حزب جمهوری خواه آمریکا و رئیس جمهور آن نماینده هارترین جناح انحصارات امپریالیستی آمریکا، در مورد آزادی و دمکراسی و حکومت دمکراتیک برهم منطبق است. ابتدا بر سر شما بمب و موشک می ریزیم، خانه هایتان را تخریب و ویران می کنیم، شهرهایتان را اشغال می کنیم، نیمی از شما را کشتار می کنیم و به بند می کشیم، آنگاه به شما اجازه می دهیم زیر سر نیزه و با تن پاره پاره، خود را به پای صندوق های رای بکشید و آراء خود را به نفع ما و دست نشانگان ما، به صندوق رای بریزید! آزادی و دمکراسی و حکومت دمکراتیک از این بهتر!؟

بورژوا-ناسیونالیست های کردستان عراق با همدستی ارتجاع امپریالیستی، در استقرار این نوع از دمکراسی و حکومت دمکراتیک سهم و شریک شدند، حزب دمکرات کردستان ایران و بورژوا-ناسیونالیست های کرد ایرانی نیز از هم اکنون به پهن کردن فرش، زیر پای بوش و ارتش آمریکا مشغول شده و برای مشارکت در استقرار این نوع از "دمکراسی" و "حکومت دمکراتیک" روزشماری می کنند! تکرار استدلال های اولیه بوش و دولت آمریکا توسط حزب دمکرات کردستان ایران در توجیه تهاجم نظامی و اشغال عراق مبنی بر نابودی سلاح های هسته ای و مبارزه با تروریسم و امثال آن، که بی پایه بودن آن حتا از درون دستگاه حکومتی آمریکا نیز فاش شد، حقیقتاً شرم آور و انزجار برانگیز است. زمانی که این بهانه ها و دروغ های رسوائی برانگیز، برای توجیه جنگ طلبی و تجاوزگری امپریالیسم آمریکا در مقیاس جهانی فاش و برملا شده و گوش جهانیان از آن پر شده است، آیا تعجب آور نیست که انگیزه اصلی بوش نماینده امپریالیسم آمریکا از حمله به عراق و اشغال نظامی این کشور هنوز به

نگذاشته است. حزب دمکرات کردستان ایران از زبان دبیر کل خود، در این پیام کوتاه، بدون هیچگونه ابهام و پرده پوشی، از رئیس دولت آمریکا برای راه اندازی جنگ و تجاوز به ایران و تبدیل آن به عراق و برای استقرار یک به اصطلاح "حکومت دمکراتیک" آقای بوش را به استمداد طلبیده است.

البته حزب دمکرات کردستان پیش از این نیز سیگنال هایی در این زمینه از خود نشان داده بود. کمیته مرکزی حزب دمکرات در بیانیه ای که فروردین ۸۲ و بلافاصله پس از اشغال عراق صادر نمود، ضمن ابراز شغف و خوشحالی از این مسئله و تأیید مسرورانه ی همکاری اپوزیسیون کرد عراق با آمریکا و متحدین وی، به تمجید از حمایت های آمریکا از "حقوق مشروع خلق کرد" پرداخت، از این بابت ها، اظهار "خرسندی" نمود و "دست مریزاد" گفت و "بارقه های امید"ی را که همان زمان و با ورود آمریکا "به عنوان بزرگترین قدرت امروز جهان" به منطقه و برای "دفاع از آزادی و مبارزه علیه تروریسم" در دل این حزب ایجاد شده بود، پنهان نکرد و در عین حال به آقای بوش ملتسانه یادآوری نمود که ایران، در جوار عراق با "جمعیتی بیش از ۱۰ میلیون آحاد کرد نیز از حقوق و آزادی های ملی خود محروم اند"، و خلاصه ضمن ترغیب تلویحی امپریالیسم آمریکا به تکرار سناریوی عراق در ایران، تمایل و آمادگی خود را برای ایفای نقشی مشابه جریانات بورژوا-ناسیونالیست کرد عراق نیز اعلام نمود. اینها چیزهایی نبود که تاکنون پنهان مانده و ناروشن باشد. اکنون اما با ارسال این پیام، حزب دمکرات کردستان ایران به چرخشی که در آن زمان آغاز کرده بود، قطعیت داده است.

این ادعا را که بوش و دولت آمریکا مدافع آزادی و دمکراسی و هواخواه حکومت دمکراتیک است، و این که بوش و دولت آمریکا برای مبارزه با تروریسم و اشاعه آزادی و دمکراسی و تامین "حقوق خلق کرد" پا به منطقه گذاشته است، آن قدر توخالی و دور از واقعیت است که امروز حتا ساده ترین و کم اطلاع ترین افراد هم آن را باور نمی کنند. آنهم بعد از کشتار بیش از صد هزار تن از مردم غیر نظامی عراق و فروریختن هزاران تن بمب و موشک بر سر ساکنین این کشور و تخریب خانه ها و اماکن مسکونی بر سر آنها و هزار و یک جنایت فجیع دیگری که ارتش آمریکا در دوران ریاست جمهوری بوش در این کشور مرتکب شده که وقایع زندان ابو قریب تنها یک نمونه از آن است. تجارب تاریخی بارها

## پیرامون پیام تبریک حزب دمکرات به نماینده ی ارتجاع امپریالیستی

دمکرات و جریانات مشابه آن قویا دست رد می زنند.

جمهوری اسلامی رژیم می به غایت ارتجاعی و ضد مردمی است. جمهوری اسلامی پاسدار امتیازات و نابرابری های طبقاتی، تبعیضات و نابرابری های ملی، جنسی و اجتماعی است. این رژیم و تمام نهادهای ریز و درشت آن را با یک انقلاب کارگری باید سرنگون و نابود ساخت. تنها طبقه کارگر است که از موضع نفی و مخالفت با هر گونه نابرابری و امتیاز طبقاتی و تاکید بر اتحاد کارگران ملل مختلف، مخالف هرگونه امتیاز و نابرابری ملی و اجتماعی است. انقلاب کارگری و استقرار دمکراسی شورائی در مقیاس سراسری، یگانه اهرمی است که قادر است به خواست ها و مطالبات کلیه ملل ایران از جمله ملت ستمکشیده کرد، پاسخ مناسب و شایسته ای ارائه دهد.

از صفحه ۲

### عراق، معضل لاینحل امپریالیسم آمریکا

هنوز پایان ماجرائیست. شکاف درونی گروههای تحت الحمایه آمریکا، اسلامگرایان طرفدار جمهوری اسلامی، گروههای ناسیونالیست کرد عراق، بعضی های شریک در دولت دست نشاندۀ آمریکا و از این قماش گروهها، تازه، چندماه آینده تشدید خواهد شد که امپریالیسم آمریکا نمایش انتخابات را برگزار خواهد کرد. از این جهت نیز اوضاع به نفع امپریالیسم آمریکا نیست.

مادام که نیروهای اشغالگر در عراق حضور داشته باشند، چشم اندازی برای آرامش اوضاع در این کشور وجود نخواهد داشت. تشدید سرکوب و کشتار مردم عراق توسط اشغالگران نیز جز تشدید نا آرامی و بحران نتیجه ای در پی نخواهد داشت. بنابراین عراق همچنان معضل لاینحلی برای امپریالیسم آمریکا خواهد ماند.

### کمک مالی

مبارزات	مبارزات	مبارزات
هامبورگ	مبارزات	مبارزات
۶۰ یورو	مبارزات	مبارزات
کانادا	مبارزات	مبارزات
مهران بندر	۵۰ دلار کانادا	مبارزات
رفیق نادر	۵۰ دلار کانادا	مبارزات
کمک به کمیته		
خارج از کشور	۱۰۰ یورو	

البته مجاز است دست بوش جنایت کار و نماینده امپریالیسم آمریکا را با هر درجه از صمیمیت که مایل است بفشارد، مجاز است پیوندهای خود را در عمق، با ارتجاع امپریالیستی محکم کند و سر و وضع خود را برای استقبال از ورود ارتش آمریکا به ایران و کردستان و اهدای دسته گل، آرایش دهد و مرتب کند. این ها چیزهای عجیبی نیستند و منشاء آن در خویشاوندی ارتجاع ناسیونالیستی با ارتجاع امپریالیستی است. حزب دمکرات کردستان ایران و دبیر کل آن اما مجاز نیست به نام تمام مردم کردستان و از آن فراتر به نام مردم ایران سخن بگوید و برای رسیدن به خواست های طبقاتی خود، از جیب این مردم هزینه کند و هیزم بیاری آتش جنگ افروزان آمریکائی را به بهانه برآورده ساختن "حقوق مشروع خلق کرد" توجیه کند.

تجربه جنبش های ملی به طور کلی، بالاخص تجربه جنبش های توده ای کردستان این واقعیت را ثابت می کند که مسئله ملی و خواست ملی به رغم آن که یک مطالبه بورژوا دمکراتیک بوده است، اما بورژوازی از آنجا که خود پاسدار امتیازات و نابرابری های طبقاتی و اجتماعی است، نمی تواند این مسئله را به نفع اهالی کردستان حل و فصل کند. تجربه جنبش ملی کردستان عراق و نهائی شدن پروسه ای که هم اکنون حزب دمکرات کردستان ایران در پیش گرفته است، به وضوح نشان می دهد که حضور گرایش بورژوا ناسیونالیستی در راس این جنبش ها، تا چه میزان دردناک و تاسف آوری می تواند آن را در خدمت ارتجاع جهانی قرار دهد.

روشن است که گرایش چپ و رادیکال درون جنبش انقلابی مردم کردستان، نه تنها نباید سرنوشت خود را به گرایشی که حزب دمکرات کردستان ایران آن را نمایندگی می کند گره بزند، بلکه بیش از پیش باید این سیاست مخرب و عواقب زیان بار آن را افشا کند و در برابر آن بایستد. مبارزات چندین ساله و دراز مدت مردم زحمتکش کردستان ایران، بر این حقیقت صحه می گذارد که این مبارزات بدون پیوند با مبارزات کارگران و زحمتکشان در سایر مناطق ایران و بدون پیوند با انقلاب سراسری برای تعیین تکلیف نهائی با نظام حاکم، به رهائی مردم ایران و ملت های تحت ستم ایران منجر نخواهد شد. توده های زحمتکش و ستم کشیده مردم ایران که علیه جمهوری اسلامی و برای سرنوشتی آن مبارزه می کنند، برسینه ی حزب

گوش رهبران حزب دمکرات کردستان ایران نرسیده است؟! میلیون ها تن از مردم آزادیخواه و دمکرات در سراسر جهان به مخالفت با این جنگ تجاوزکارانه برخاستند، به کرات دست به تظاهرات و اعتراض زدند و در شعارهای خود اهداف و مقاصد آمریکا را برای تسلط بر منابع نفتی و کنترل آن برملا کردند، حتا آن را "جنگ برای نفت" خواندند. به راستی آیا عجیب نیست که این صداها به گوش حزب دمکرات و رهبران آن نرسیده است؟ در پاسخ به این سؤال ها باید گفت: خیر، این اصلا عجیب نیست! وقتی که پای منافع طبقاتی در میان است، حزب دمکرات کردستان ایران هم قدرت شنوایی خود را از دست می دهد و از هر کوی، کرتر می شود. وگرنه، نه اهداف آمریکا از یورش آن به افغانستان و عراق برکسی پوشیده است، نه ماهیت امپریالیسم آمریکا در جنگ افروزی، توسعه طلبی و کشتار انسان های بی دفاع عوض شده است، نه ذهنیت تاریخ از کودتاهای آمریکائی و حمایت از دیکتاتورها از جمله کودتای ۲۸ مرداد در ایران و کودتای پینوشه در شیلی و امثال آن پاک شده است و نه حمایت آمریکا از ارتجاعی ترین دولت ها و حکومت هائی نظیر پاکستان، کشورهای عربی، ترکیه که در سرکوب و پایمال کردن حقوق کردهای این کشور زبانزد خاص و عام است و به ویژه دولت نژاد پرست اسرائیل برکسی پوشیده است!

مسئله صرفا این نیست که حزب دمکرات کردستان ایران آمادگی خود را برای همکاری و همدستی با ارتجاع جهانی اعلام نموده است تا جنبش مردم کردستان را به ابزاری در خدمت اهداف و مقاصد جنگ طلبانه و تجاوز کارانه امپریالیسم آمریکا تبدیل کند و آن را به منافع ارتجاعی ترین جناح های بورژوا امپریالیستی گره بزند. مسئله به این هم خلاصه نمی شود که حزب دمکرات کردستان ایران مانند بورژوا-ناسیونالیست های کردعراقی، چشم های خود را بر حمام های خونی که بوش و ارتش آمریکا در عراق به راه انداخت فرو می بندد و از انتخاب دوباره وی اظهار خوشحالی می کند و برایش پیام تبریک می فرستد تا حمام های خون دیگری راه بیاندازد. مسئله این است که در تمام این شیرین کاری ها، در کمال پروائی و بی مسئولیتی به جای تمام مردم کردستان و فراتر از آن به جای تمام مردم ایران هم سخن می گوید!

حزب دمکرات کردستان ایران و دبیر کل آن

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران



## بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو

### دانشجویان مبارز!

در طول تاریخ موجودیت دانشگاه‌ها در ایران، دانشگاه همواره یکی از سنگرهای برجسته مبارزه علیه اختناق، ستمگری و بیدادگری بوده است و دانشجویان مبارز و آگاه، برای تحقق مطالبات آزادی خواهانه، دموکراتیک، عدالت خواهانه و برابری طلبانه توده های زحمتکش مردم به نبرد علیه رژیم های خودکامه و سرکوبگر طبقات حاکم بر ایران، ادامه داده اند.

در جریان این مبارزه که متجاوز از نیم قرن استمرار داشته است، صدها تن از برجسته ترین و آگاه ترین دانشجویان به دست رژیم های ستمگر حاکم به قتل رسیده اند و هزاران تن، سال ها از عمر خود را در زندانها سپری کرده اند.

از این رو ۱۶ آذر، روز دانشجو، تنها یاد آور و بزرگداشت سه دانشجوی مبارزی نیست که در سال ۱۳۳۲، به دست نظامیان مزدور رژیم شاه به گلوله بسته شدند و جان باختند، بلکه روز بزرگداشت و ارج نهادن بر تمام مبارزات دانشجویی و تمام دانشجویان شریفی ست که در راه مبارزه به خاطر اهداف آزادی خواهانه و انسانی خود، جان باختند.

بر بزرگداشت ۱۶ آذر تاکید مجددی ست بر ادامه مبارزات جنبش دانشجویی علیه ستمگران حاکم بر ایران. این واقعیت را به وضوح سراسر تاریخ جنبش دانشجویی نشان داده است که به رغم تمام وحشی گری های رژیم های سلطنتی و اسلامی و سرکوب و کشتار دانشجویان، این جنبش با تمام فراز و فرودهایش همواره جنبشی علیه ستمگران حاکم بر ایران باقی مانده و در مبارزه آرام نگرفته است.

مبارزات کنونی دانشجویان، اعتصابات، تظاهرات و اعتراضات بی شمار چند سال اخیر نیز گواه روشنی ست بر این حقیقت که حتا وحشیانه ترین سرکوب جنبش دانشجویی در سال ۵۹ توسط جمهوری اسلامی، کشتار صدها دانشجو، به بند کشیدن و اخراج هزاران دانشجو و تعطیل دانشگاهها نیز نتوانست، این جنبش را برای همیشه از پای در آورد.

این جنبش پس از این سرکوب خونین و وحشیانه، دوباره آرام، آرام سر بلند کرد، تا بدانجا که امروز مجدداً به یک جنبش قدرت مند رودرروی رژیم تبدیل شده است.

معهداً بر این نکته باید تاکید نمود که این سرکوب به علت گسستی که در سنت های چپ و رادیکال جنبش دانشجویی ایجاد نمود، تاثیرات منفی خود را بر جای نهاد و جنبش دانشجویی می بایستی گام به گام با آزمون و خطا راه خود را بازیابد و به سنن مبارزاتی گذشته بازگردد. بنابراین تعجب آور نبود که بخش بزرگی از این جنبش، در نخستین مراحل احیاء خود در دام توهم بهبود اوضاع در چارچوب نظم موجود گرفتار آمد. اما تجربه و پراتیک به زودی این توهمات را زدود به نحوی که امروز با قطعیت می توان گفت، اکثریت بزرگ دانشجویان، هیچگونه توهمی به بهبود و اصلاح اوضاع مادام که رژیم جمهوری اسلامی بر سر کار است ندارند. از همین رو جنبش دانشجویی با آموختن از این تجارب، پیوسته رادیکال تر شده و با مطالبات و مبارزات رادیکال تر به رودرروئی با رژیم برخاسته است.

با این وجود، این بدان معنا نیست که جنبش دانشجویی با تمام ضعف ها و موانعی که بر سر راه پیشرفت آن وجود دارد، تسویه حساب کرده است. این حقیقت تا هم اکنون نیز بر بخش بزرگی از دانشجویان آشکار شده است که جنبش دانشجویی هر آنچه که قدرت مند مبارزه جو باشد، به تنهایی قادر نخواهد بود رژیم مرتجع و سرکوبگری را که نقطه اتکاء آن یک دستگاه عریض و طویل زور و سرکوب است، حتا به عقب نشینی وادارد، تا چه رسد به برانداختن آن. بلکه تنها مبارزه و جنبش توده های میلیونی مردم قادر است، از پس چنین وظیفه ای برآید. اکثریت بسیار عظیم این توده میلیونی مردم را نیز زنان و مردان کارگری تشکیل می دهند که هیچگونه نفع و منفعتی در حفظ نظم موجود ندارند.

لذا جنبش دانشجویی چنانچه بخواهد به اهداف و مطالبات خود که در اساس چیزی جدا از خواست های توده مردم نیست، دست یابد و در مسیر کاملاً درستی قرارگیرد، راهی جز این نخواهد داشت که به یک جنبش رادیکال جانبدار طبقه کارگر ایران تبدیل شود و رابطه خود را با جنبش طبقاتی کارگران مستحکم کند. این وظیفه ای ست سنگین بردوش دانشجویان پیشگام و سوسیالیست که برای اشاعه سوسیالیسم در صفوف توده های دانشجو تلاش کنند و با هر پیشرفت و اعتلاء جنبش که آشکارا تمایلات ارتجاعی طرفداران رنگارنگ نظم ستمگرانه سرمایه داری را افشاء کرده و می کند، بدیل سوسیالیستی، انترناسیونالیستی و انساندوستانه طبقه کارگر را قرار دهند.

### دانشجویان آگاه و مبارز!

همان گونه که تجربه چند سال اخیر به همگان نشان داده است، در چارچوب نظم اقتصادی-اجتماعی و سیاسی موجود، هیچ راهی حتا برای تحقق مطالبات حداقل توده های مردم ایران وجود ندارد. شکست اصلاح طلبی بیانی از همین واقعیت بود. تنها، دگرگونی بنیادی نظم موجود از طریق یک انقلاب می تواند مردم ایران را از شر تمام فجایعی که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و نظم اقتصادی-اجتماعی موجود به بار آورده است نجات دهد و به مطالبات آنها جامه عمل پوشد. نخستین گام این انقلاب، سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی و دموکراسی شورائی ست که توده های کارگر و زحمتکش را بر سرنوشت خویش حاکم سازد و راه پیشرفت و ترقی مادی و معنوی مردم ایران را هموار سازد.

### دانشجویان مبارز!

صفوف خود را هرچه بیشتر متشکل کنید. در راه ایجاد و تحکیم تشکل های مستقل رزمنده و رادیکال تلاش کنید. مبارزه علیه رژیم سرتاپا ارتجاعی جمهوری اسلامی را تشدید نمائید. رابطه و پیوند خود را با جنبش های کارگری، زنان و تمام ستمدیدگان و زحمتکشان مستحکم کنید و شعار سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی در ایران را به راهبرد فعالیت های مبارزاتی و عملی خود تبدیل کنید. جنبش دانشجویی می تواند و باید نقشی مهم تر از گذشته در مبارزات توده های مردم ایفا نماید.

#### پیروز باد مبارزات دانشجویان

گرامی باد یاد تمام دانشجویانی که در راه تحقق خواست ها و اهداف توده های مردم ایران با ستمگران مبارزه کردند و جان باختند

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - بر قرار باد حکومت شورائی

سازمان فدائیان (اقلیت) - آذر ۱۳۸۳

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

## اخباری از ایران

کارگران چیت سازی به شهر در برابر این کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران که مدتی است در حال بلاتکلیفی به سر می برند، خواستار حقوق و مزایای معوقه و رسیدگی به سایر مشکلات خود شدند. کارگران معترض، پس از این اجتماع اعتراضی، با سر دادن شعارهایی، به طرف فرمانداری دست به راهپیمایی زدند و تجمع چند ساعته ای را در برابر این نهاد برپا کردند. پس از آن که مسئولین به کارگران وعده دادند که به خواست های آنان رسیدگی شود، کارگران نیز به اجتماع اعتراضی خود پایان دادند. شایان ذکر است که در چیت سازی به شهر، حدود ۵۰۰ کارگر بیکار و بلاتکلیف شده اند و به آنها دستمزد داده نمی شود.

### تحصن اعتراضی پرستاران

صبح روز دوشنبه دوم آذر ماه، دهها تن از پرستاران و کارکنان بیمارستان "فیروزگر" تهران، در اعتراض به واگذاری این بیمارستان به بخش خصوصی، حذف سهمیه ناهار و تعویق ۱۸ ماه پرداخت حق کارانه، دست به تحصن زدند. به دنبال این اقدام اعتراضی، مسئولین بیمارستان وعده دادند که خواست اعتراض کنندگان رسیدگی نمایند.

### تحصن کارگران "سیمین نو"

روز چهارشنبه چهارم آذر، کارگران ریسندگی و بافندگی "سیمین نو" اصفهان، دست به اعتراض زدند و با برپایی یک تجمع و تحصن اعتراضی در برابر هتل هما در تهران، خواستار ضمانت شغلی خود شدند.

### نامه اعتراضی

- کارگران نختاز گیلان، در یک نامه اعتراضی به رئیس سازمان صنایع و معادن استان گیلان، خواستار پرداخت مطالبات و رسیدگی به مشکلات خود شدند. شایان ذکر است که ۱۱۵ کارگر شرکت تولیدی نختاز گیلان، بیش از ۷ ماه حقوق و مزایای خود و نیز عیدی و پاداش سال های ۸۰ و ۸۱ را دریافت نکرده اند.

- جمعی از کارگران زغال سنگ البرز مرکزی در یک نامه اعتراضی خطاب به خاتمی رئیس جمهور حکومت اسلامی، ضمن اشاره به عواقب وخیم خصوصی سازی ها و اخراج بیش از ۲۵۰۰ کارگر این شرکت، نسبت به تشدید فشارهای مدیریت این شرکت بر کارگران، هشدار دادند و اعتراض کردند.

- کارگران کارخانه سیمان خاش، با ارسال یک نامه اعتراضی، خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، در نظر گرفتن سنوات خدمت و پرداخت حق بهره وری شدند و در عین حال نسبت به آلودگی محیط کار و سیاست های مدیریت و به کار گرفتن پیمانکاران، شدیداً اعتراض کردند.

- جمعی از کارگران ایران خودرو، با انتشار بیانیه ای، ضمن ابراز مخالفت با طرح "اشتغال موقت" بار دیگر نسبت به اجرای قراردادموقت و فعالیت شرکت های پیمانکاری اعتراض نموده و انزجار خود را از تعرض کنندگان به قانون کار نیز اعلام داشتند. کارگران ایران خودرو، در این نامه، ضمن ابراز همبستگی با سایر کارگران در سراسر ایران، هرگونه دستبرد به حقوق کارگران را محکوم ساخته، خواهان لغو قراردادهای موقت، استخدام رسمی کارگران و انحلال شرکت های پیمانکاری شده اند.

- جمعی از کارگران ایران خودرو که بیش از ۲۰ سال سابقه کار در کارهای سخت و زیان آور دارند، در نامه ای خطاب به مدیر عامل این شرکت، خواستار بازنشستگی پیش از موعد شدند و نسبت به کسانی که در این مورد سهل انگاری نموده و بازنشستگی آنها را به تعویق انداخته اند اعتراض کردند.

### اخراج و بیکار سازی کارگران

- کارخانه "فخر ایران" ساوجبلاغ در آستانه تعطیلی و کارگران آن در معرض بیکاری اند. این کارخانه قبلاً حدود ۲۰۰۰ کارگر داشت و کارفرمای آن طی سال های گذشته و تحت عناوین مختلف نزدیک به دو سوم کارگران را به اجبار باز خرید و اخراج نموده است و در حال حاضر ۵۰۰ کارگر باقیمانده نیز در معرض اخراج و بیکاری قرار دارند.

- کارخانه "نساجی غرب" کرمانشاه، به بهانه ی کمبود مواد اولیه و نقدینگی، کارگران خود را از ۹۰۰ نفر به ۴۰۰ نفر کاهش داده است. این کارخانه هم اکنون در آستانه واگذاری به بخش خصوصی است و کارگران آن شدیداً نگران آینده شغلی خود هستند.

- کارفرمای شرکت "طب ایران" واقع در استان خراسان، ۲۴ کارگر این شرکت را اخراج نمود و ۲۰ کارگر دیگر که همه قراردادی هستند، در نوبت اخراج اند.

- کارخانه تولیدی الیاف رنگی الوند ثابت، در آستانه تعطیلی است و ۲۰۰ کارگر آن در معرض اخراج و بیکاری اند. کارفرمای این شرکت، از مدتی قبل کارگران را برای اخراج و باز خرید اجباری تحت فشار قرارداده بود، هم اکنون در صدد تعطیلی این کارخانه و واگذاری آن به بخش خصوصی است.

- کارخانه قند یاسوج که از یک سال پیش به بخش خصوصی واگذار شد، به حالت تعطیل در آمده است و ۳۰۰ کارگر این کارخانه

یک سال است که هیچگونه حقوق دستمزدی نگرفته اند. بنا به گزارش ایلنا، مالک جدید این کارخانه، کارخانه های قند دزفول و ممسنی را نیز به حالت تعطیل در تملک خود دارد و "در تهران مشغول ساخت و ساز برج است!"

کارخانه "فرش غرب" به بخش خصوصی واگذار می شود. با اجرای سیاست های ضد کارگری کارفرمای این کارخانه، از ۸۰۰ کارگر این کارخانه، ۵۰۰ نفر به اجبار باز خرید و اخراج و یا بازنشسته و از کار بیکار شده اند و هم اکنون ۳۰۰ کارگر باقی مانده نیز در معرض اخراج اند و شدیداً نگران آینده شغلی خود هستند.

- کارخانه آجر سازی "آج" واقع در کیلومتر ۱۱ جاده ساوه، بعد از واگذاری به بخش خصوصی تعطیل و ۱۲۰ کارگر آن اخراج شدند. صاحب جدید کارخانه، دستگاههای تولید را از کارخانه خارج نموده و آنها را فروخته است. شماری از کارگران این کارخانه به اجبار باز خرید شده و نزدیک به ۴۰ نفر از کارگران که از سوی اداره کار حکم بازگشت به کار دریافت کرده اند، همه روزه در محل کارخانه ی تعطیل شده حاضر می شوند.

- شرکت نساجی "پارس ایران" واقع در استان گیلان، به بهانه کمبود مواد اولیه در حالت رکود کامل به سر می برد. هم اکنون ۱۸۰ کارگر این کارخانه بیش از ۶ ماه است که دستمزد نگرفته اند.

### سوانح ناشی از کار

شرایط غیر ایمنی محیط کار و سود پرستی سرمایه داران، در چند هفته گذشته نیز به مرگ شمار دیگری از کارگران منجر شد که در زیر به چند نمونه آن اشاره می شود.

- در مجتمع پتروشیمی "آریاساسول" واقع در عسلویه، در اثر سقوط یکی از مخازن، ۵ کارگر جان خود را از دست دادند.

- روز شنبه ۲۳ آبان، در اثر انفجار معدن زغال سنگ "ماهان" واقع در استان مازندران ۵ کارگر جوان به نام های یاسر منصور ۲۰ ساله، ذات الله عباسی ۲۴ ساله، صابری عباسی ۲۳ ساله، اکبر قلابستانی ۳۰ ساله و عبدالله روفروز، جان خود را از دست دادند. در اثر این انفجار، شمار دیگری از کارگران نیز مصدوم و مجروح شدند.

- بر اثر بروز انفجار در یک کارخانه تولید

## مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۴۳)

در ۱۸ اوت نوشت که مخالف با پارلمان‌تاریسم یک چیز است اما امتناع از شرکت در انتخابات پارلمان مسئله ای است به کلی متفاوت. لنین نوشت:

”ما روس‌ها دو انقلاب کبیر را در قرن بیستم از سرگذرانده ایم، ما به خوبی واقفیم که پارلمان‌تاریسم چه اهمیتی می‌تواند داشته باشد و در واقع چه اهمیتی در دوره انقلابی به طور اعم و در بطن یک انقلاب به طور اخص می‌تواند داشته باشد.“ لنین می‌گفت ما باید از صحنه پارلمان بهره برداری کنیم. ”تبلیغ شوراها را می‌توان و باید در پارلمان بورژوازی انجام داد.“

اما سیلوپا پانکهورست متقاعد نمی‌شد. او اصولاً مخالف شرکت در انتخابات پارلمان و هرگونه اقدامی مشترک با حزب کارگر بود و از بایکوت اتحادیه‌های کارگری دفاع می‌کرد.

هنگامی که کنفرانس وحدت تاسیس حزب کمونیست بریتانیا در ژوئیه ۱۹۲۰ تشکیل شد، سیلوپا پانکهورست در آن شرکت نکرد اما در عوض WSR را به ”حزب کمونیست - بخش انگلستان انترناسیونال“ تغییر نام داد. لنین در پیامی که خطاب به شرکت کنندگان کنفرانس فرستاد این اقدام را به شدت مورد انتقاد قرار داد. از آن پس، جدائی بین سیلوپا پانکهورست و لنین برگشت ناپذیر شد.

در ۳ ژوئیه ۱۹۲۰، رزمنو کارگری، طرح قطعنامه ”به سوی یک برنامه حزب کمونیست- بخش انگلستان انترناسیونال ۳ را منتشر کرد که در آن آمده بود: حزب کمونیست بر این باور است که نهادهای سلطه و تشکیلات سرمایه داری را نمی‌توان برای مقاصد انقلابی مورد استفاده قرار داد. از مشارکت در پارلمان و سیستم حکومتی بورژوائی محلی سرباز زبید. لنین در کتاب ”بیماری چپ روی در کمونیسم“ حمله شدیدی به جناح اولترا چپ کمونیست های بریتانیائی و خصوصاً علیه سیلوپا پانکهورست و ویلیام گالاچر نمود.

گسست سیلوپا پانکهورست از لنین تصادفی نبود. او هرگز یک جهان بینی مارکسیستی نداشت و گرچه حمایت سیلوپا از خواست حق رای‌ها همان نظر لنین بود، اما نحوه برخورد آنها از یکدیگر کاملاً متمایز بود. سیلوپا پانکهورست به مدت دو دهه چنین استدلال می‌کرد که این خواست که پارلمان حق رای به زنان اعطا کند، بسیار اساسی است. اما از نظر لنین، کلیه خواست

از صفحه ۶

## اخباری از ایران

مهمات جنگی در لنجان واقع در استان اصفهان، یک کارگر جان خود را از دست داد.

- شنبه اول آذر، در اثر ریزش دیوار کانال فاضلاب در شهرستان تویسرکان، کارگری به نام ناصر، جان خود را از دست داد. دوشنبه دوم آذر نیز به علت سقوط بیل لودر، یک کارگر در شهرستان صومعه سرا جان خود را از دست داد.

- در حادثه‌ای که روز پنجشنبه ۱۳ آبان بر اثر انفجار در معدن زغال سنگ طارم از توابع بخش چمستان نور رخ داد، ۶ کارگر جان خود را از دست داده و شمار زیادی نیز زخمی و مصدوم شدند.

### چند خبر کوتاه

- مدیریت ”نساجی شاهو“ بیش از دوماه است دستمزد کارگران رانبرداخته است.

- ایلنا سوم آذر اعلام کرد، بالجرای مصوبه مجلس ششم درباره بازسازی ونوسازی صنایع، حتا یک واحد موفق در بین ۸۷۱۰ واحد نساجی فعال کشور دیده نشده است.

- خبرگزاری ایلنا اعلام کرد، به دعوت خانه کارگر، دبیر فدراسیون اتحادیه کارگران جهان (WFTU) و مسئول دفتر آسیائی این فدراسیون، ۱۲ آذر به تهران می‌روند. در این خبر در عین حال قید شده است که فدراسیون یاد شده بیش از ۱۰۰ میلیون عضو دارد!

## کار

### را بخوانید و در

### تکثیر و توزیع آن

### کوشا باشید

های دمکراتیک تابع مبارزه طبقاتی کارگران برای کسب قدرت و سوسیالیسم بودند. از همین رو لنین هیچگاه مسئله حق رای را مطلق نکرد اما سیلوپا پانکهورست این حق را یک اصل مطلق می‌دانست. تا وقوع انقلاب اکتبر، حق رای برای سیلوپا یک حکم مطلق- یک توت-م- و پس از آن یک نفرت مطلق و یک تابو بود. بر مبنای همین توت-م، سیلوپا پانکهورست همکاری چندین و چند ساله اش با بورژوا فمینیست ها را توجیه می‌کرد و از آن جایی که تابو بود، توجیه کننده جدائی از لنین محسوب می‌شد که همواره مبارزه برای حق رای را یک تاکتیک ارزیابی می‌کرد و نه یک اصل.

در طول ۳ سال پس از این گسست، رزمنو کارگری تمام هم خود را به حمله به لنین و انترناسیونال کمونیستی اختصاص داد. از ژوئیه ۱۹۲۱ تا سپتامبر ۱۹۲۲ این نشریه دست به انتشار یک سری مقالات در تحسین رهبری آنارشیست ها و حمله علیه لنین زد. مبارزات صنعتی کارگران کاملاً از این نشریه محو شد اما در عوض از ۲۶ نوامبر ۱۹۲۱ مرتباً یک سری درس های زبان اسپرانتو به عنوان کلید مبارزه با ناسیونالیسم چاپ می‌کرد. سیلوپا پانکهورست حتا کتابچه ای تحت عنوان ”دلفس یا زبان بین المللی آینده“ منتشر کرد.

شاید بهترین شاخص تغییر جهت کامل سیلوپا پانکهورست از هنگامی که از کمینترن برید، تغییراتی باشد که در شعار نشریه به وجود آمد. در ۲ دسامبر ۱۹۲۲ شعار ”برای کمونیسم بین المللی“ برداشته شد و به جای آن، شعارهای ”برای افکار روشن و زبان صریح“ و ”ما خواهان پایان مزدبگیری هستیم“، ”برای خدمات دو طرفه“، ”دردفاع از استقلال افکار و همبستگی عملی“، ”مالیات در کمونیسم وجود ندارد“ و حتا شعار ”انان که خوشحالند، همواره نیک اند“ قرار گرفت.

چه گیج سری! انتشار رزمنو کارگری با شماره مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۲۴ متوقف شد اما سیلوپا پانکهورست به سیر و سیاحت ادامه داد. زندگی او به عنوان توجیه گر امپراتور مرتجع و ستمگر اتیوپی، ”هایله سلاسی“ پایان گرفت. وی در سال ۱۹۵۵ کتابی به نام ”اتیوپی؛ یک تاریخ فرهنگی را به ”هایله سلاسی“ اهدا نمود که سرپا تعریف و تمجید از امپراتور به عنوان ”پاسدار آموزش، پیشاهنگ ترقی، رهبر و مدافع خلقش در جنگ و صلح“ بود.



## مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۴۳)

بین المللی و تجارت آزاد و تنظیم امور در چارچوب سرمایه داری است. با این وجود، با وقوع انقلاب اکتبر، سیلویا پانکهورست یک چرخش رادیکال کرد. او نام روزنامه خود را در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۷ از "رژمنو زنان" به "رژمنو کارگران" تغییر داد. او نوشت: "اعضاء دریافتند که همبستگی میان زنان و مردان برای پیروزی در مبارزه شان اساسی است. همچنین شعار جدیدی به نشریه افزوده شد: "سوسیالیسم، همبستگی بین المللی و حق رای برای همه." رژمنو به یکی از منابع اطلاعاتی و خبری مهم در میان نشریات انگلستان در مورد سیاست های بلشویک ها تبدیل شد. این نشریه، اولین روزنامه انقلابی در انگلستان بود که پیام انقلاب روسیه را کاملاً درک نمود. در ۱۷ نوامبر ۱۹۱۷، سیلویا پانکهورست در مقاله ای به نام "انقلاب لنین" نوشت:

"اگر انقلاب بلافاصله بعد از نخست وزیری کرنسکی و سیاست های وی توقف می کرد، معنای جز پژواک اومانیزم عصر انقلاب فرانسه نداشت. اما هم اکنون این انقلاب به چیزی فراتر از آن دعوت می کند... انقلاب روسیه یک انقلاب سوسیالیستی است."

این مقاله چنین نتیجه گیری کرد: "ما مشتاقانه آرزوی پیروزی هرچه سریع تر بلشویکهای روسیه را داریم که به گشایش جهانی خواهد انجامید که مردمان تمام کشورها آزاد خواهند شد." نشریه سرشار از تحسین و تمجید از شوراهای آنها را بدیل پارلمانتاریسم می دانست. "پارلمان ها به آن شکل که ما می شناسیم جایشان را سازمان های توده ای گرفته اند که بر مبنای کار و حرفه شکل گرفته اند و از همین رو شورا نامیده می شوند."

با انقلاب اکتبر، مسئله حق رای به همراه تبلیغات فمینیستی صرف، عملاً از نشریه محو گردید. مطالبی در مورد روسیه، جنگ و گزارش اعتصابات در انگلستان به کلی در نشریه غالب شدند.

در اوائل ۱۹۱۸، فدراسیون، علاوه بر پیوندها و ارتباطی که با معدنچیان ولز جنوبی و زنان شرق لندن داشت، توانست مناسبات نزدیکی با جنبش کمیته های کارخانه، برقرار کند و گزارشات مبسوطی از سایر نقاط انگلستان منتشر کند. از مارس ۱۹۱۸، نشریه مطالب اطلاعاتی در باره مناطق صنعتی کشور منتشر نمود خصوصاً در

بخشی به نام "یادداشت های کارگاههای واتسون". در سال ۱۹۱۸ کنفرانس سالانه فدراسیون حق رای کارگری، برنامه ۷ ماده ای زیر را تصویب نمود:

۱- تغییر نام سازمان به فدراسیون سوسیالیستی کارگری WSF

۲- مخالفت با کلیه جنگ ها و الغاء نیروهای مسلح

۳- به رسمیت شناختن دولت شوراهای و آغاز مذاکرات صلح بر مبنای عدم الحاق و حق تعیین سرنوشت

۴- برگزاری فوری کنفرانس بین المللی سوسیالیستی برای تنظیم مفاد صلح

۵- حق تعیین سرنوشت برای هند و ایرلند

۶- لغو سیستم سرمایه داری- سازماندهی کارگران بر مبنای رشته های صنعتی و برپائی یک مجمع ملی از کمیته های محلی کارگران

۷- آزادی زندانیان ضد جنگ"

شعبه های جدید WSF در بسیاری از مناطق انگلستان و جنوب ولز و معدودی در اسکاتلند تشکیل شدند. تا اواخر ۱۹۱۸، WSF تعداد ۱۹ شعبه در لندن و ۲۳ شعبه در سایر ایالات داشت. در ۱۹۱۸ کل اعضای به حدود ۳۰۰ نفر رسید. اعضای WSF و ELSF متشکل از زنان و مردان بودند، اما اکثریت آنها را مردان تشکیل می دادند. از ۲۰ ژوئیه ۱۹۱۸ شعار نشریه "رژمنو کارگران" به دفاع از سوسیالیسم جهان، تبدیل شد.

سیلویا پانکهورست نه تنها با استفاده از رژمنو کارگری بلکه با تأسیس دفتر اطلاعاتی خلق روسیه، در سال ۱۹۱۸، نقش مهمی در اشاعه پیام انقلاب اکتبر ایفا نمود. هنگامی که کمینترن در مارس ۱۹۱۹ تشکیل شد، پانکهورست به عنوان خبرنگار انگلیسی نشریه ماهانه "انترناسیونال کمونیستی" تعیین شد. اما سیلویا پانکهورست اساساً مضمون بلشویسم رادیکال نکرد و هنگامی که در ژوئیه ۱۹۱۹ با لنین ملاقات کرد، جدائی اجتناب ناپذیر شد.

در ۱۶ ژوئیه ۱۹۱۹، او خطاب به لنین چنین استدلال کرد که کلیه سازمان هایی که در انگلستان به حمایت از کمونیسم پرداخته اند، یعنی گروه وی، WSF و مجمع سوسیالیستی جنوب ولزاند که واقعا کمونیست اند زیرا با شرکت در انتخابات پارلمان مخالفند و خواهان فاصله گرفتن از حزب کارگرند. لنین در جوابیه انتقادی خود

در صفحه ۷



برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آلمان  
K. A. R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

دانمارک  
I. S. F  
P. B. 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

سوئد  
M. A. M  
Postbox 1144  
75141 Uppsala  
Sweden

سوئیس  
Sepetry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

فرانسه  
A. A. A  
MBE 265  
23, Rue Lecourbe  
75015 Paris France

کانادا  
K.Z  
P.O. BOX 2488  
Vancouver B.C  
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A  
6932641 Postbank  
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹  
سازمان فدائیان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲  
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱ (اقلیت)

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیکی E-Mail:

[info@fedaian-minority.org](mailto:info@fedaian-minority.org)

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):  
۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

**KAR**

Organization Of Fedaian (Minority)  
No. 442 december 2004

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی